

# سرگرمی نفرت‌انگیز یک ذهن بیمار

sms های دروغین در گذشت هنرمندان سینمایی

چاپ شده در : ماهنامه سینمایی فیلم

زمان انتشار : دی ماه ۱۳۸۷

این یادداشت با حذف همه دفعات به کارگیری جکله انتقادی و تکرارشونده "ما ایرانی هستیم" به چاپ رسید و آن چه در این سایت می آید، نسخه اصلی آن است.

\*

\*

ما ایرانی هستیم. یک معنای فرعی اش این است که سرگرمی های معدودی داریم و از آن مهم تر این که در انتخاب میان همین سرگرمی های محدود، اغلب کج می رویم. از جمله همین روزها داریم فیلمی چون چارچنگولی را پرفروش می کنیم که برای اولین بار در تاریخ سینمای جهان، عارضه ای در قالب نقص عضو را به مبنای خنده و تمسخر بدل کرده و به این لحاظ، غیراخلاقی ترین شبه کمدی تاریخ را عرضه می کند. از جلوه های بس نفرت انگیز این سرگرمی های جعلی که برای خودمان می سازیم، SMS های دروغین مربوط به درگذشت سینماگران باسابقه و محبوب است که از فرط تکرار در این سال ها و به ویژه ماه های اخیر، موجب شده که حتی هنگام شنیدن خبر درست و غم انگیزی درباب رفتن خسرو شکیبایی یا احمد آقالو نیز ابتدا در صحت خبر تردید کنیم. از یکی دو سال گذشته تا کنون، این خبر خوشبختانه نادرست را درباره عزت اله انتظامی، پرویز پرستویی، بهروز وثوقی و این اواخر، بانو نادره / حمیده خیرآبادی دریافت و اغلب برای چند دقیقه، باور کرده ایم. تا از دوستان سینمایی و رسانه ای پی بگیریم و نادرستی اش را دریابیم و آرام شویم. و متحیر بمانیم ذهن بیماری که خبر را در اولین مرحله و SMS، شروع می کند، آخر چه لذت حقارت باری از استرس یا اندوه دریافت کنندگان خبر می برد؟ آن هم در حالی که هیچ کدامشان را در آن حال و وضع نمی بیند تا احياناً از این «سرِ کارگذاشتن»، تفریحی عایدش شود!

ما ایرانی هستیم. یک معنای فرعی اش این است که صفات و القاب را مکرر و بی حساب و دسته جمعی و ژنریک به کار می بریم و مدام خرج شان می کنیم. به هر کسی که شبی مهمان یک برنامه

تلویزیونی می شود و صدای بال مگس را با دهانش در می آورد، به راحتی می گویم «هنرمند»، هر بچه و نوچه و نوآمدهایی را هم «استاد» می خوانیم و ... به هر خانم بازیگری که بر حسب سن و سالش بیست سی بار نقش مادر را در فیلمها و مجموعه های تلویزیونی مان ایفا کرده باشد، لقب «مادر سینمای ایران» می دهیم. اما حالا که خبر اخیر مبنی بر درگذشت نادره عزیز و دوست داشتنی، خدا را میلیون بار شکر، نادرست بود، با اصرار و تأکید، عرض می کنم که این لقب همواره و تنها برانزده اوست. این که او از فیلم دوم اش «دست تقدیر» (گرچی عبادیا/احمد فهمی، ۱۳۳۸) تا به حال، چهل سال تمام و حدود ۱۳۵ فیلم است که دارد نقش مادر بازی می کند، تصادفی نیست. در واقع پرکاری نادره که از سال ۱۳۷۱ تا به حال و احتمالاً تا همیشه، رکورددار تعداد بازی در سینما و تلویزیون ماست، با شروع مادر شدن او در فیلمها و نقشها، نسبت مستقیم دارد. مهربانی همیشگی تصویر او که با صدای لرزان، چشمهای زیبای معمولاً نگران ولی پر امید و... بیش از همه با «کیلی» اش شکل می گیرد، فضیلت کوچکی نیست که بتوان در این زمینه برایش همتایانی متصور شد.

ما ایرانی هستیم. یک معنای فرعی اش این است که هر اتفاق عمومی را در مجاورت با تقویم خصوصی زندگی خودمان تعبیر می کنیم. وقتی هوشنگ گلکمانی به این دلیل که این خبر جعلی اخیر را از دوست پزشکی دریافت کرده بود، عجالاً باور کرد و با من در میان گذاشت، با حیرتی مضاعف، همین تعبیر را کردم و از این که خبر درست همزمان با پنجمین سالمرگ مادرم به من رسیده، به اندوهی مضاعف دچار شدم. مادر من هم کیلی بود، در صورت و رفتار شباهتهایی به نادره داشت و این اساساً تئوری شخصی قدیمی من بود که مادر کیلی، مهربان تر است! اما بعد که نادرستی خبر روشن شد، از تعبیر خودم خنده ام گرفت. لازم نبود من به تقویم خصوصی ام رجوع می کردم. نادره به طور تاریخی، تصویر مثالی همه ما ایرانیها از «مادر» است. حتماً حتی آنها که مادر لاغری دارند نیز در ذهن و حس شان، می کوشند

شباهت‌هایی هرچند زورکی میان او و نادره پیدا کنند. بعید می‌دانم در تاریخ سینمای هیچ کشور دیگری، چنین خاطره ملی عظیمی از شمایل یک بازیگر در نظر مردم مانده‌باشد. این حرمت بانو نادره را هزار برابر و آرزوی همه ما فرزندان او برای تداوم عمر و حضور و مادری‌اش را میلیون برابر می‌کند.

ما ایرانی هستیم. یک معنای فرعی‌اش این است که می‌توانیم مثل عباس یاری که مسئول اعلام‌نشده این بخش مجله است، از به هم وصل کردن انواع موضوعات باربیط و بی‌ربط، خطابه‌ای بسازیم! این کاری بود که به پیشنهاد او و به احترام بانو نادره، در این یادداشت مرتکب‌اش شدم تا شاید بار بعدی که خبری مشابه به موبایل هر کدامان sms شد، در انتشارش باز بیشتر مکث کنیم و باورش را به تعویق بیندازیم.

چون اذهان بیمار و چرخ تقدیر، هیچ کدام برای ساختن اخبار تلخ، متوقف نخواهند شد.